

بسم الله الرحمن الرحيم

شما عزیزان نمازگزار را و خودم را بیشتر، به رعایت و سفارش تقوای الهی در همه تعاملات، امور شخصی، امور اجتماعی و سیاسی توصیه می‌کنم. ان شاء الله همه ما توفیق رعایت تقوا را در امور مختلف زندگی، حتی در جزئیات داشته باشیم و مراقب تقوای الهی باشیم.

تقوا یعنی نگهداری خدا؛ «تَقُوا اللَّهَ» یعنی خدا را نگه‌دار! آنجایی که فرموده «باش» باشیم و آنجایی که فرموده «نباش»، نباشیم!

تکرار گناه، حیا را از انسان دور می‌کند/ «بی‌حیایی» یکی از عوامل بی‌تقوایی است

مولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در روایتی فرمود «مَنْ كَثَرَ خَطْوَهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ» هرکس خطا و خطیئه‌اش زیاد شود، حیایش کم می‌شود و هرکس حیایش کم شود، ورع و پرهیزگاری‌اش نیز کم می‌شود!

یعنی اگر انسان در خطا و خطیئه مواظب خودش نباشد و خویشتن‌دار نباشد، حیایش کم می‌شود! به میزانی که انسان خطاهایش بالا می‌رود، حیایش هم کم می‌شود. هرکس هم که حیا و شرم، یعنی این نیروی باطنی و درونی بازدارنده را نداشته باشد یا کم داشته باشد، این موجب کم شدن تقوا و ورعش می‌شود!

به عبارت دیگر، یکی از عوامل بی‌تقوایی «بی‌حیایی» است؛ یعنی کسی که حیا نداشته باشد، تقوا هم ندارد. اگر حیایش کم باشد، تقوایش هم کم است. هر میزانی که حیای انسان بیشتر باشد، تقوای انسان هم بیشتر خواهد شد.

در یک روایت دیگر، امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود «سَبَبُ الْعِفَّةِ الْحَيَاءُ» علت عفت و پاکدامنی، حیاست؛ عفت کلامی، عفت بطن و عفت دامن. فرمود علت و سبب عفت، حیاست؛ یعنی کسانی که باحیا باشند، عفت بالاتری دارند و عقیف‌تر هستند.

حضرت در یک روایت دیگر مجدداً فرمود (این روایت از «غررالحکم» است) «أَصْلُ الْمَرْوَةِ الْحَيَاءُ وَ ثَمَرَتَهَا الْعِفَّةُ» جوانمردی و مردانگی، اصلش حیاست؛ یعنی آنهایی که حیا دارند، جوانمردترند! آنهایی که می‌بینید معرفتشان بالاتر است، جوانمردند و مروت دارند، اینها در حیا از دیگران پیش‌قدم هستند و جلوترند. هرکس هم مروتش بالا باشد، خود این عامل هم باعث عفت می‌شود.

حالا در واقع، ثمراتی که در این سه روایت خدمت شما عرض کردم برای حیا برشمرده شده، این است که حیا سبب تقوای بالا، سبب عفت و حیا سبب مروت و مردانگی می‌شود.

حیا و شرم قابل تعریف نیست؛ همه ما آنرا می‌شناسیم، اما اگر بخواهیم تعریف کنیم حیا آن نیروی باطنی و درونی است که بازدارندگی دارد و انسان را از آلودگی، از گناه، معصیت و هرچه خلاف فرمان خدا و عقل است، نگه می‌دارد.

حیا آن نیروی باطنی است که در مواضعی که انسان نیازمند است، جلوی او را می‌گیرد؛ بازدارنده است و نگهش می‌دارد. در نتیجه، انسان متقی، انسان عقیف و انسان بامروت می‌شود.

«عقل» پایه حیا و ایمان است

از طرفی، امام محمد باقر(ع) فرمود «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ» یعنی حیا و ایمان با یکدیگر همراه هستند؛ اگر یکی از اینها برود، دیگری نیز به دنبال آن می‌رود. اگر ایمان برود، حیا هم می‌رود و اگر حیا برود، ایمان هم می‌رود! لذا انسان‌هایی که باحیا هستند، ایمانشان کامل‌تر است.

از این گذشته، در روایت شریفی آمده که خداوند، حضرت جبرئیل را نزد حضرت آدم(ع) فرستاد و وحی فرمود که «يَا أَبَا الْبَشَرِ أُمِرْتُ أَنْ أَخِيرَكَ بَيْنَ ثَلَاثٍ فَأَخْتَرُ مِنْهُنَّ وَاحِدَةً وَدَعِ اثْنَتَيْنِ» گفت من مأمور شده‌ام از طرف خدا شما را بین یکی از این سه چیز مخیر کنم؛ یکی از این سه چیز را انتخاب کن و دو تای دیگر را رها کن!

حضرت آدم(ع) سؤال کرد «فَقَالَ لَهُ آدَمُ وَمَا هُنَّ» یا جبرئیل، این سه مطلبی که شما می‌گویید که من یکی از آنها را انتخاب کنم، چیست؟ جبرئیل فرمود: «فَقَالَ الْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ» عقل، حیا و دین. یکی از اینها را انتخاب کن و دو تای دیگر را واگذار!

حضرت آدم(ع) گفت «فَقَالَ آدَمُ قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ» من عقل را انتخاب می‌کنم. جبرئیل به حیا و دین گفت «فَقَالَ جَبْرَائِيلُ لِلْإِيمَانِ وَالْحَيَاءِ إِرْحَلَا» شما دوتا بروید و او را واگذارید.

آنها گفتند «فَقَالَا أَمَرْنَا أَنْ لَا نَفَارِقَ الْعَقْلَ» ما از طرف خدا مأمور شده‌ایم هر جا عقل هست، ما هم باشیم!

یعنی انسانی که حیا ندارد، انسانی که ایمان و دین ندارد، اصلش این است که عقلش مشکل دارد! کسانی که عقل بالاتری دارند، عقل الهی، مکتسب به ایمان؛ عقلی که تشخیص می‌دهد که عبادت معبود بکند، عقلی که بهشت را از جهنم انتخاب می‌کند؛ این عقل اگر در کسی باشد، حتماً باحیا و باایمان خواهد بود.

در روایتی دیگر امام محمد باقر(ع) فرمود «إِنَّ طَبَائِعَ النَّاسِ كُلَّهَا مُرَكَّبَةٌ عَلَى الشَّهْوَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْحَرَصِ وَالرَّهْبَةِ وَالْغَضَبِ وَاللَّذَّةِ إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَالْإِنْفِ فَإِذَا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى كِبِيرَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَأَرْمِ بِبَصْرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكَ أَنْ تَسْتَحْيِيَ مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمَّنْ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمَّنْ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِ فَعُدَّ نَفْسَكَ فِي الْبَهَائِمِ»

حضرت فرمود طبیعت انسان از چند چیز تشکیل شده و اجزایش اینهاست: از شهوت، رغبت، حرص، رهبت، غضب و لذت! شهوت، میل زیاد است؛ رغبت، پیدا کردن میل و گرایش به یک چیزی است؛ حرص، رهبت و ترس، غضب و لذت. این چند مطلب در نهاد انسان و در طبیعت انسان‌ها وجود دارد که باید هدایتشان کند؛ چون مثلاً اگر آدم غضب نداشته باشد، هیچ‌وقت انسان مجاهد و جنگجویی نخواهد شد! غضب سر جای خودش درست است، اما زیاده‌روی و افراط و یا تفریط، آن‌طور که علما فرمودند، اشکال دارد.

حضرت فرمود طبیعت هر انسانی اینها را دارد، اما در بین مردم انسان‌هایی هستند که این غضب و شهوت و رغبت و حرص و لذت و اینها را که می‌تواند انسان را منحرف کند و از بندگی خدا دور کند، مهار می‌کنند. «زَمَّ» یعنی مهار کردن؛ این خصلت‌ها و ویژگی‌ها را مهار می‌کنند. با چه چیزی؟ با تقوا، با حیا و با عزت نفس. یعنی اینهایی که در نهاد انسان هست؛ اگر انسان تقوا، حیا و عزت نفس داشته باشد، غضب و شهوتش را کنترل می‌کند.

بالاترین درجه حیا، حیا از خداوند است

سپس فرمود اگر خدای ناکرده نفس اماره به تو دستور داد یک گناهی را مرتکب شوی و خطا و نافرمانی کنی، در اینجا دو حیا را معرفی کرده است: اول نگاه به آسمان. کنایه از خدایی که خالق زمین و آسمان است! به خدا توجه کن؛ از خدا حیا و شرم داشته باش که او خالق تو است.

اگر به آسمان نگاه کردی و از آنکه در آن است نترسیدی، آن وقت به زمین و مردم نگاه کن؛ شاید از کسانی که روی زمین هستند، یعنی از مردم و مؤمنین حیا کنی؛ شاید از مردم حیا کنی و خودت را نگه داری و گناه و نافرمانی نکنی!

این حیا از خداست؛ بالاترین و عالی‌ترین درجه حیا، حیای از خداست. خدایی که ما را خلق کرده و این همه نعمت به ما داده است؛ باید از خدا شرم کنیم و گناه نکنیم. اساس این بی‌عفتی که امروز وجود دارد، بر بی‌حیایی و بی‌ایمانی است و به عدم وجود عقل برمی‌گردد. وقتی شهوت بر وجود انسان حاکم شد، دیگر نه ایمانی باقی می‌ماند و نه حیایی وجود دارد!

امروز می‌بینید به محض اینکه یک مؤمن با زبان خوش به دیگری تذکری می‌دهد، بلافاصله با او درگیر می‌شود. می‌گوید: من نمی‌خواهم آدم باشم! یا وقتی می‌گوید عاقل باش، می‌گوید: من نمی‌خواهم عاقل باشم!

فرمود اگر از خدا شرم نمی‌کنی، نگاه کن به کسانی که روی زمین هستند، به مردم! شاید از افرادی که در زمین هستند، از مردم و از مؤمنین حیا کنی و خودت را نگه داری و گناه و نافرمانی نکنی.

«فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمنَ فِي السَّمَاءِ تَخَافُ، وَلَا مِمنَ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِي، فَعَدَّ نَفْسَكَ فِي الْبَهَائِمِ» اینها جسارت و اهانت نیست، واقعیاتی است که معصومین(ع) ذکر کرده‌اند. توجه به اینها باعث می‌شود، ان‌شاءالله، انسان راه هدایت را بهتر طی کند؛ فرمود اگر نه از خدا شرم می‌کنی و نه از مردم، خودت را جزو انسان‌ها به شمار نیاور [و خودت را در شمار چارپایان قرار بده!]

اگر انسان هستی، از خدا و اگر از خدا نشد - از مؤمنین حیا کن. اینکه در آموزه‌های دینی، بر اجتماعات مؤمنین و مسجد رفتن تأکید شده، به همین دلیل است.

امام حسن مجتبی(ع) فرمود یکی از ثمرات رفتن به مسجد این است که انسان از جمع مؤمنین حیا می‌کند و گناه نمی‌کند.

در هر صورت، امیدواریم خداوند به همه ما و فرزندان ما، مخصوصاً نسل جوان، جوانانی که نیاز بیشتر به تذکرات و دقت بیشتر به این مسائل دارند ان‌شاءالله این توفیق را بدهد. اگر حیا در جامعه اسلامی حاکم باشد، بسیاری از معضلاتی که الان مؤمنین از آن ناراحتند و دغدغه دارند، به صحت و درستی حل می‌شود. [پایان خطبه اول]

در این خطبه دوم هم شما عزیزان و بزرگواران، خواهران گرامی و برادران عزیز و بیشتر از همه خودم را، به تقوا در همه شئون و مصادیق، مخصوصاً در نگهداری حیا، تمرین حیا و شرم از خدا، شرم از مردم و جلوگیری از بی‌حیایی در جامعه توصیه دارم؛ که ان‌شاءالله همه ما در این جهت موفق باشیم تا اجتناب از معصیت و گناه اتفاق بیافتد.

مهم‌ترین موضوع در سیره حضرت عبدالعظیم حسنی «ولایت‌مداری» است

روز چهارشنبه، ۲۵ شهریور، مصادف با چهارم ربیع‌الثانی، روز ولادت باسعادت حضرت عبدالعظیم حسنی است که از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) و خودش امامزاده است. ان‌شاءالله توفیق داشته باشیم با زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی، از ثواب زیارت کربلا بهره‌مند شویم.

یکی از چیزهایی که معروف است و در مجامع روایی ما هم بر آن تأکید شده، آن کار بسیار خوب و زیبایی است که برای همه ما الگو است؛ کاری که حضرت عبدالعظیم حسنی انجام داد عرضه دین به امام معصوم بود. ایشان آمد خدمت امام هادی(ع) و دین خود را بر آن حضرت عرضه کرد.

اما این روایت، روایت خواندنی و قابل عملی است. تمام مطالبی که حضرت امام هادی(ع) به ایشان فرمود بسیار مهم است، اما من دو سه نکته که خیلی به آن توجه نمی‌شود را عرض می‌کنم.

در رابطه با خود این «عرضه دین» اولاً باید الگوپذیری داشته باشیم. کار بسیار خوبی است که گاهی اوقات انسان اعتقادات و باورهای خودش را به یک دین‌شناس مجرب که مورد اطمینان است، عرضه کند؛ که مبدا من در برداشت‌های شخصی خودم از دین اشتباه کرده باشم! حضرت عبدالعظیم همه دین خود را به امام هادی(ع) عرضه کرد و حضرت هم مهر قبولی به این عرضه اعتقادات زدند. این رفتار باید برای ما الگو باشد.

دومین نکته این است که حضرت عبدالعظیم حسنی، نسبت به امام هادی(ع) اولاً حدود ۴۰ سال (۳۹ سال) از امام هادی(ع) بزرگ‌تر است. با این حال، این ولایت‌مداری و این توجه به عالم اهل‌بیت، یعنی امام هادی(ع) اهمیت بیشتری دارد. حضرت عبدالعظیم حسنی نمی‌گوید من که ۴۰ سال بزرگترم، چرا باید بروم دین خودم را به ایشان که امام است، عرضه کنم؟ چون امام هادی(ع) سال ۲۱۲ متولد شده و شهادتش سال ۲۵۴ است؛ یعنی عمر شریف حضرت، ۴۲ سال بوده است. حضرت عبدالعظیم حسنی سال ۱۷۳ هجری قمری به دنیا آمده و رحلتش نیز سال ۲۵۲ بوده، یعنی دو سال قبل از شهادت امام هادی(ع) از دنیا رفته، ولی سن او ۷۹ سال است.

این یک نکته مهمی است که ما در اخذ دین و در استفاده از معارف، تصور نکنیم چون سن من بالاتر است، نباید به کوچک‌تر از خودم که وارد این کار و کارشناس این کار است و اطلاعات و آگاهی معارفی و دینی و اعتقادی‌اش بیشتر است، مراجعه کنم! خدای ناکرده نگوییم چون سن او از من کمتر است، من چرا باید بروم از او درس یاد بگیرم؟

نکته سوم اینکه این روایت را بزرگان ما در کتاب‌هایشان نوشته‌اند و نقل کرده‌اند که وقتی امام هادی(ع) به حضرت عبدالعظیم حسنی فرمود «أَنْتَ وَلِيِّنَا حَقًّا» عبارت این است «فلما بصر بی قال لی: مرحباً بك، یا أبا القاسم، أَنْتَ وَلِيِّنَا حَقًّا» حضرت او را تحسین کرد و فرمود تو دوست ما و همراه ما هستی، حقیقتاً!

نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است: بزرگواران! معلوم می‌شود جلالت قدر عبدالعظیم حسنی(ع) که خودش امامزاده است، این‌طور نبود که اول بیاید عرض دین بکند و بعد حضرت به او بفرماید «أَنْتَ وَلِيِّنَا حَقًّا» مشخص می‌شود او در یک درجه‌ای از ولایت‌مداری و تبعیت از امام بوده که اول کار، وقتی آمد خدمت حضرت، حضرت به او فرمود «مَرْحَبًا بِكَ يَا أبا الْقَاسِمِ، أَنْتَ وَلِيِّنَا حَقًّا»

بعد از آن بود که عرض داشت ای پسر رسول خدا! من می‌خواهم دین خود را به شما عرضه کنم. این نشانگر جایگاه ویژه حضرت شاه عبدالعظیم حسنی است که ان‌شاءالله امیدواریم در این نزدیکی‌ها توفیق برای همه ما حاصل بشود. زیارت ایشان مغتنم و همچون زیارت امام حسین(ع) بسیار ارزشمند است.

برخی افراد در برابر برهان و استدلال هیچ انعطافی ندارند و دچار جمود فکری می‌شوند/ سرنوشت گروهک فرقان که دست به ترور شهید مطهری زد، عبرت‌آموز است

یک نکته خیلی کوتاه عرض کنم. بعضی وقت‌ها بعضی از ما یک چیزی را برای خودمان مسلم گرفته‌ایم و همان را قبول داریم؛ یعنی اگر با استدلال، با دلیل و برهان هم به ما بگویند، می‌گوییم همان چیزی که خودم می‌گویم صحیح است. این جمود فکری و خدای ناکرده استبداد نظر، گاهی باعث هلاکت انسان می‌شود.

گاهی خدای ناکرده یک اعتقاد و یک باور پیامدهایی دارد، نمی‌خواهم این مسأله را به همه مؤمنین نسبت دهم، اما توجه فرمایید امثال گروهک فرقان که شهید مطهری و دیگر بزرگان ما را به شهادت رساندند، از همین‌ها بودند که می‌گفتند: ما می‌فهمیم؛ همین است و جز این نیست!

یعنی در جلساتی که با آنها صحبت می‌کردند و به آنها می‌گفتند شما بدانید که اشتباه گرفته‌اید و برداشتتان غلط بوده، پاسخ می‌دادند: همین چیزی که ما می‌فهمیم درست است! این یک خسارت و انحرافی است که امیدوارم ما دچار آن نشویم!

مرحوم آیت‌الله طالقانی و شهید آیت‌الله مدنی، نماد ظلم‌ستیزی و ولایت‌مداری بودند

در روز ۱۹ شهریور سال ۱۳۵۸ حضرت آیت‌الله طالقانی، اولین امام جمعه تهران و ایران بعد از انقلاب، رحلت کردند. مرحوم آیت‌الله طالقانی در طول دوران امامت جمعه، پنج خطبه در دانشگاه تهران خواند و یک خطبه آخر ایشان هم سه روز قبل از رحلتشان در بهشت زهرا(س) ایراد شده است. ان‌شاءالله روح ایشان متعالی باشد و یادشان را نیز گرامی می‌داریم. من نکته‌ای را از فرمایشات امام شهید انقلاب اسلامی(ره) عرض می‌کنم.

امروز نیز بیستم شهریور، سالروز شهادت دومین شهید محراب، آیت‌الله اسدالله مدنی، آن مرد بزرگ الهی است. هر دو بزرگوار، در یک جهت با هم مشترک بودند که در زندگی‌نامه آنها (خواهش من این است که این روزها زندگی‌نامه این بزرگان را بخوانید) زحماتی که کشیدند؛ مطرح شده است. هم حضرت آیت‌الله طالقانی و هم حضرت آیت‌الله شهید مدنی زبان حالشان این بوده است که «ما زنده به آنیم که آرام نگیریم؛ موجیم که آسودگی ما عدم ماست» شما وقتی در زندگی اینها نگاه می‌کنید، هر دو بزرگوار بارها از قبل از انقلاب مبارزاتی با ظلم داشته‌اند.

آیت‌الله طالقانی، در زمان رضاخان قلدِر به زندان رفته بود. در مسئله کشف حجاب، وقتی می‌بیند به یک خانمی ظلم می‌شود و دارند چادر او را به زور در می‌آورند جلو می‌رود و ممانعت می‌کند و به زندان می‌افتد. از اوایل زندگی‌اش تا زمان قبل از انقلاب، یعنی از سال ۴۱ که امام راحل(ره) موضوع انقلاب سفید را زیر سؤال می‌برد، حضرت آیت‌الله طالقانی، وارد معرکه می‌شود و برای مردم روشنگری می‌کند، علیه نظام طاغوت پهلوی صحبت می‌کند، زندانی‌اش می‌کنند، بعد دوباره آزادش می‌کنند. سال ۴۲ دوباره دستگیر می‌شود، چند بار هم حکم ۱۰ سال زندان برای او صادر کردند.

در طول تمام این سال‌ها، مبارزه، زندان و انقلابی‌گری با علم و دانش همراه بوده است، در مسجدی که در تهران بودند و تبلیغ دین می‌کردند همواره به عنوان یک روشنگر فعالیت داشتند، آن مسجد که به مسجد هدایت معروف است؛ پاتوق ایشان و آیت‌الله مطهری بوده است.

از آن طرف، در سال ۴۲ وقتی امام علیه سلطنت و حکومت در رژیم پهلوی صحبت می‌کرده است، شهید آیت‌الله مدنی در نجف بوده‌اند. شهید مدنی درس خود در نجف را تعطیل و عده‌ای را جمع می‌کند و می‌گوید «علما به داد اسلام برسید» همان فریادی که امام زده بود، ایشان نیز در آنجا سر می‌دهد.

شهید مدنی به حدود ۸، ۹ شهر تبعید شده؛ به هر جا تبعید می‌شد، تبلیغ می‌کرد، مردم را به خودش جذب می‌کرد، جوان‌ها را علیه رژیم پهلوی و طاغوت تحریک می‌کرد. از این استان به آن استان، از این شهر به آن شهر، جاهای مختلف، تبعید پشت تبعید؛ شهرهای خرم‌آباد، همدان، گنبد، نورآباد ممسنی، کنگان، سقز، مهاباد؛ تا اینکه در سال پیروزی انقلاب، تبعید ایشان در کردستان به پایان می‌رسد و آزاد می‌شود و به همدان می‌رود و مورد استقبال قرار می‌گیرد. در آنجا هم کار انقلاب را ادامه می‌دهد.

این دو بزرگوار (مرحوم طالقانی و شهید مدنی) تمام عمر خود را در خدمت امام، در تبعیت از امام جامعه صرف کردند.

امروز انسان تأسف می‌خورد از بعضی از حرف‌ها و حرکات! بعضی موضع‌گیری‌ها واقعاً تعجب‌آور است، انسان با خود می‌گوید آیا اینها سرباز آمریکا هستند که در ایران زندگی می‌کنند؟!

آیت‌الله ملکوتی در مورد شهید مدنی فرمود خودش درس [خارج] داشته است، از چندین مرجع تقلید اجازه اجتهاد داشته و می‌توانسته رساله بدهد. اما ایشان می‌گوید شهید مدنی بارها به من می‌فرمود «دینم به من می‌گوید باید امروز خودت را فراموش کنی و خودت را زیر پای این مرد - یعنی امام راحل(ره) - بگذاری تا یک قدم بالا بیاید و به دنبال ایشان حرکت کنی» یعنی می‌گوید دین من، تبعیت از هوای نفس و دنبال دلخواه خود بودن نیست!

ایشان می‌گوید شهید مدنی به من فرمود «امام هر فرمانی بدهند باید بدون چون و چرا آن را اطاعت کنیم؛ حتی اگر به ضرر جانمان باشد»

داماد شهید مدنی نیز می‌گوید شهید مدنی با این جلالت علمی و کفایت و لیاقت شخصی، در مقابل امام راحل(ره) کاملاً مطیع بود؛ بلکه می‌توان گفت فانی در امام عزیز بود و بی‌نهایت به او عشق می‌ورزید.

اینها سرمایه‌های ما و الگوهای ما هستند. وقتی خطبه‌هایشان را گوش می‌دهید متوجه می‌شوید که حین خطبه‌ها اشک ایشان دائماً روان بود؛ از آن معنویت، از آن اخلاص که ان‌شاءالله خداوند مقداری به ما نیز عنایت کند.

در هر صورت جا دارد ما مبلغین و سخنرانان در جلسات و به هر حال در مباحث علمی، اینها را تذکر بدهیم و از آنان الگو بگیریم. اینها افسانه نیستند؛ همین چند سال گذشته زندگی می‌کرده‌اند. در زمان حیات ما به شهادت رسیدند یا رحلت کردند. روحشان شاد باشد و ما هم ان‌شاءالله پشت سر آنها در حرکت باشیم.

قطعنامه اخیر شورای حکام، نشان‌دهنده استیصال آمریکا و رژیم صهیونیستی در رویارویی نظامی با ملت ایران است

اما، در خصوص اتفاقی که دیروز رخ داد و قطعنامه‌ای که شورای حکام علیه ایران با پیشنهاد آمریکا و سه کشور اروپایی صادر کرد؛ نکاتی را عرض می‌کنم.

آمریکای جنایتکار در میدان جنگ و نظامی نتوانست کاری بکند، ناکام ماند و موفق نشد اراده ملت ایران را درهم بشکند و شکست خورد. حالا دوباره سراغ ابزارهای سیاسی و حقوقی که قبلاً هم تکرار کرده بودند، رفته‌اند! دوباره سراغ این رفتند که قطعنامه ظالمانه‌ای را علیه یک کشور تصویب کنند.

اگر صنعت هسته‌ای ایران را نابود کرده‌اید، چرا علیه فعالیت‌های هسته‌ای ما قطعنامه صادر می‌کنید؟

اطلاع دارید که ما در سال ۱۳۴۸ در زمان طاغوت، این معاهده NPT را پذیرفتیم، به عنوان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، لذا ما جزو این معاهده هستیم. رژیم منحوس صهیونیستی و آمریکای جنایتکار و کودک‌کش به ما که عضو NPT هستیم حمله کردند.

این ظلم فاحش را نگاه کنید؛ امروز، بجای اینکه اسرائیل غاصب که اصلاً عضو «NPT» نیست و معاهده منع تولید سلاح‌های هسته‌ای را نپذیرفته؛ محکوم شود، جمهوری اسلامی را با ۲۳ رأی محکوم می‌کنند!

این نامرد نانجیب پلید، خودش گفته بود که ما در جنگ ۱۲ روزه، صنعت هسته‌ای ایران را کلاً نابود کردیم! اگر نابود کرده‌اید چرا دوباره محکوم می‌کنید؟! خبرنگار از او می‌پرسد: شما که کاری نکردید! قیمت بنزین در آمریکا ۴ دلار و ۲۷ سنت شده، قیمت نفت هم از ۱۰۷ دلار گذشته! چرا کاری نمی‌کنید؟ [ترامپ] می‌گوید: می‌خواهید ایران دارای سلاح هسته‌ای شود؟! یعنی ما با آنها می‌جنگیم! شما که گفته بودید ما را از بین برده‌اید و سلاح هسته‌ای ما را نابود کرده‌اید، پس امروز دوباره چه شده؟!

دشمنان به استیصال افتاده‌اند و امروز دنبال این هستند که پرونده ما را به شورای حکام و بعد از آن به شورای امنیت بکشانند.

باید روایتگر پیروزی جبهه مقاومت در برابر استکبار جهانی باشیم/ هدف قراردادن ناو هواپیمابر آمریکایی‌ها مایه افتخار ایرانیان و آزادگان جهان شد

اما از آن طرف خدا را شاکریم و باید روایت فتح کنیم. این پیروزی‌هایی که این روزها به دست آمده برای جبهه مقاومت و برای ایران اسلامی باید روایت شود، الحمدلله شاهد پیروزی نیروهای مسلح قهرمان بودیم.

هدف قرار دادن و زدن ناو آمریکایی با فناوری‌های جدید که اعلام شد، باعث افتخار است، سپاه اعلام کرد تنگه هرمز کاملاً تحت مدیریت جمهوری اسلامی است، لذا دشمن آنرا برنمی‌تابد و مسلماً علیه ما فعالیت خواهد کرد.

به گفته سخنگوی نیروهای مسلح، پیش از عملیات رمضان، حدود ۳۰، ۴۰ ناو جنگی آمریکا در منطقه خلیج فارس حضور داشتند، اما امروز حتی یک فروند از آنها هم در این منطقه باقی نمانده و تمام شناورهای آمریکایی حداقل ۴۰۰ کیلومتر از آب‌های ساحلی ایران فاصله گرفته‌اند!

ایشان می‌گویند چندی پیش یک ناو هواپیمابر آمریکایی را در فاصله ۵۰۰ کیلومتری هدف قرار دادیم. خب، این همان اقتداری است که ما می‌گوییم؛ تنگه هرمز به دست ایران، الحمدلله به دست جمهوری اسلامی افتاده و تحت مدیریت نظام اسلامی است.

امیدواریم ان شاءالله اینها با همین مشکلات مانند بالارفتن قیمت بنزین که نمی‌توانند جلویش را بگیرند، ضربات دیگری را بخورند. آمریکایی‌ها از طرفی به انتخابات نزدیک شده‌اند. می‌بینند که رئیس جمهور آمریکا در استیصال است و جمهوری خواهان در پایین‌ترین درجه محبوبیت قرار گرفته‌اند، ترامپ گفته است به هر آمریکایی که به جمهوری خواهان رأی بدهد، ۵ هزار دلار پول می‌دهم. می‌خواهند با پول محبوبیت بخرند؛ امروز همه انسان‌های آزاده عالم این جرثومه‌های فساد را محکوم می‌کنند!

منهدم کردن شناور بدون سرنشین پیشرفته در ورودی تنگه هرمز، پیروزی چشمگیری برای رزمندگان اسلام محسوب می‌شود.

جبهه مقاومت علاوه بر تنگه هرمز، بر «باب‌المندب» نیز مسلط می‌شود

از طرف دیگر، پیروزی‌های انصارالله یمن که همین دیشب زیرنویس تلویزیون شبکه خبر شد بسیار مهم و ارزشمند است، اعلام شد که سه گردان عربستانی الحمدلله اسیر و تسلیم نیروهای انصارالله شدند. رزمندگان اسلام، منطقه وسیعی را از اشغال عربستان و نیروهای مهاجم درآوردند، به‌طوری که اینک بر باب‌المندب مسلط‌تر شده‌اند. امیدواریم این دستاوردها، نویدبخش پیروزی‌های بزرگتر جبهه مقاومت باشد.

امیدواریم خداوند متعال پیروزی‌های رزمندگان اسلام را روزبه‌روز بیشتر کند، وجود نازنین نیروهای مسلح ما، مردم عزیز ما و مسئولین ما را در پناه خودش محفوظ نگه دارد و با نابودی دشمنان، شاهد خروج آنها از منطقه باشیم.

جان‌باختن ۳ هنرمند متعهد شهرستان شاهرود باعث تأسف شد/ امیدواریم دیگر هنرمندان متعهد، راه آنان را ادامه دهند

در هفته‌ای که سپری شد، شاهد آسمانی شدن سه هنرمند عزیز، انقلابی و متعهد استان در شهرستان شاهرود بودیم؛ برادر عزیزمان آقای مصطفی واحدی، آقای محمدرضا عبادیانی و همچنین سرکار خانم مریم‌السادات میرحسینی که مسیر در بازگشت از مأموریت فرهنگی، متأسفانه دچار سانحه و آسمانی شدند.

برای شادی ارواح طیبه همه شهدا، امام شهیدمان و این سه هنرمند متعهد، صلوات می‌فرستیم.

این ضایعه را به جامعه هنری و همچنین خانواده‌های محترم این بزرگواران - که هم در شاهرود، هم در سمنان و هم در تهران مجالس خوبی برایشان برگزار شد - تسلیت عرض می‌کنم، اما واقعاً فاجعه‌ای اسفناک رخ داد و امیدواریم هنرمندان دیگر، جایگزین این هنرمندان متعهد شوند.

وقایع خوابگاه دانشجویی عراقی‌ها همگان را متاثر کرد/ در بازجویی‌ها مشخص شده هیچ جرمی در این خوابگاه رخ نداده و عده‌ای قصد داشته‌اند مساله‌سازی کنند

اما یک مسئله‌ای در همین هفته گذشته در سمنان اتفاق افتاد که ناخوشایند بود و همه مؤمنین را متأثر و متأسف کرد؛ چند نفر جلوی یکی از خوابگاه‌های دانشجویان عراقی که تعداد زیادی آنجا ساکن هستند، شبانه حاضر شدند و یک مسئله‌ای را ایجاد کردند.

دشمنان ایران، همین استکبار جهانی، دنبال این هستند که بین ما و همه مسلمانان، مخصوصاً با کشور اسلامی عراق تفرقه ایجاد کنند؛ آن هم کشوری که حشدالشعبی آن از نیروهای مهم جبهه مقاومت است و در خیلی از کارهایی که ما نمی‌توانیم انجام بدهیم، آنها همراه ما هستند.

در چنین وضعیتی، متأسفانه عده‌ای که براساس بازجویی‌هایی که از آنها صورت گرفته، مشخص شده که قصد مسئله‌سازی داشته‌اند؛ چنین مشکلی ایجاد کردند. توجه داشته باشید هیچ مطلب یا نقصان و جرمی متوجه این خوابگاه دانشجویان نبوده است. حالا اگر یک جایی مطلبی اتفاق می‌افتد، آنجا قانون خودش را دارد و دنبال می‌شود؛ ولی در این موضوع، با توجه به بازجویی‌ها، هیچ مسئله‌ای نبوده است.

قطعاً هر جا تخلفی رخ دهد با آن برخورد خواهد شد/ پیگیری حقوق همشهریان ایرادی ندارد اما در این رابطه نباید احساسی عمل کرد

اما عرض من این است که ما در احساسات خود باید متوجه باشیم خدای ناکرده به ناحق یک مسئله را بزرگ نکنیم. در رسانه‌های داخلی و خارجی به ما ایرانی‌ها اینطور گفته شده که مسئله ناموسی است! غیرتتان کجا رفته؟! بیایید از غیرت و ناموس‌تان حمایت کنید! همان موقع اگر به شبکه‌های عراقی گوش می‌دادید، می‌گفتند در ایران دانشجویهای عراقی را زدند و مهمان‌داری نکردند! درست همان کاری که استعمار و استکبار از قبل انجام می‌دادند را تکرار کردند و روش «تفرقه بیانداز و حکومت کن» را پیاده کردند. متأسفانه، یک عده‌ای هم سریع وارد میدان شدند! رفتار احساسی با حق و حقیقت متفاوت است، میدان‌داری و پیگیری حقوق همشهریان و شهروندان اشکالی ندارد، اما انسان حتماً باید اول وقوع جرم برایش ثابت شود.

با یک باج‌خواهی یا هر چیز دیگری، خدای ناکرده نباید از ناحق حمایت کرد، مخصوصاً که نیروهای حشدالشعبی که اصلاً در سمنان نیستند. تمام رسانه‌های فارسی‌زبان که علیه حشدالشعبی فضا‌سازی کردند را ببینید که این خط را چه کسی می‌دهد؟ آمریکا و اسرائیل غاصب از حشدالشعبی ناراحتند. اینها فوراً آمدند اعلام کردند که نیروهای حشدالشعبی بوده‌اند! حشدالشعبی در اینجا حضور ندارد. همه آنها دانشجو بودند.

فضاسازی‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد دشمن در تلاش است بین ملت ایران و عراق تفرقه ایجاد کند

افراد در این موارد باید توجه و دقت نظر داشته باشند و مثلاً سوالی کنند تا موضوع روشن شود، نه اینکه فوراً موضع‌گیری کنند! خیلی وقت‌ها این مواضع با حق همراه نیست.

امیدواریم ان شاء الله این هدف استکباری دشمن که اختلاف‌افکنی است، به نتیجه نرسد، به هر حال ما پذیرای این دانشجویان هستیم. دشمنان مسلماً در برنامه پیاده‌روی اربعین [از اتحاد میان ایران و عراق] ضربه دیده است؛ عراقی‌ها در تشییع پیکر مطهر امام شهیدمان واقعاً گل کاشتند، [دشمن] اینها را بر نمی‌تابد و به یک وسیله‌ای تفرقه‌افکنی می‌کند، حالا یا ایجاد می‌کند، یا بر چالش‌ها موج‌سواری می‌کند و از آنها به نفع خودش استفاده می‌کند. باید یک مقدار حواسمان از این جهات بیشتر جمع باشد.

طبیعتاً دانشجویان عراقی هم باید مقررات کشور ما را رعایت کنند

ان شاء الله آن وحدت بین همسایگان و مخصوصاً کشور عزیز عراق را که در دستور کار نظام جمهوری اسلامی است، مواظب باشیم. البته دانشجویان هم باید مقررات کشور جمهوری اسلامی ایران را به عنوان میزبان رعایت کنند.

«استمرار تجمعات خیابانی، حفظ وحدت و انسجام، پاسخ کوبنده به هر تهدیدی نسبت به رهبر معظم انقلاب، حمایت از جبهه مقاومت و بازنگری در دکترین هسته‌ای» محور بیانیه اخیر اجلاسیه نمایندگان ولی فقیه بود

مطلب دیگر اینکه در اجلاسیه اخیر نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها، بیانیه‌ای منتشر شد. در این اجلاسیه معمولاً مسئولین بسیاری حضور پیدا می‌کنند، در این جلسه بزرگوارانی از شورای عالی امنیت ملی و بعضی از وزرا و دیگر مسئولان حضور پیدا کردند و مطالبی را ایراد نمودند. در پایان این اجلاسیه، بیانیه‌ای منتشر شد که در دسترس عموم قرار دارد و بخشی از آن هم خطاب به مردم عزیزمان است.

از موارد این بیانیه، استمرار تجمعات خیابانی است که خواسته امام عزیزمان، امام جامعه، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای است و همچنین حفظ وحدت و انسجام و استقامت و تاب‌آوری.

البته در این بیانیه مواردی هم از شورای عالی امنیت ملی خواسته شده است؛ از جمله اینکه هیچ تهدیدی، حتی تهدید زبانی هم، نسبت به امام جامعه - که نور چشم همه ما است - پذیرفته نیست. و لازم است اگر تعرضی حتی زبانی نسبت به ایشان شد، به عنوان خط قرمز، به آن پاسخی کوبنده بدهند.

نمایندگان ولی‌فقیه در استان‌ها در این بیانیه همچنین بر لزوم حمایت از جبهه مقاومت تاکید کردند.

اما نکته‌ای که از نظر بنده خیلی مهم است آنکه از شورای عالی امنیت ملی خواستند با توجه به اینکه این دشمنان جانی، ایران را به‌طور علنی به حمله اتمی تهدید می‌کنند، جا دارد شورای عالی امنیت ملی، تغییرات متناسب و بازدارنده دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار دهد و پیشنهادهای حاصله را به محضر مبارک رهبر معظم انقلاب تقدیم کند تا ارتقای سطح بازدارندگی کشور عزیزمان در برابر دشمن، آنها را از هرگونه ماجراجویی پشیمان کند. این خواسته بسیار مهمی است که ان‌شاءالله امیدواریم این کار انجام شود. البته الامر فی یدیه. به هر حال امر در دست مبارک مقام معظم رهبری است و ما ممکن است در دکترین هسته‌ای خودمان، تصمیم‌گیری جدیدی داشته باشیم که ان‌شاءالله امیدواریم این امر، قدرت بازدارندگی ما را بیشتر کند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.